

مقدمه

روستاها کهن‌ترین شکل سکونتگاه‌های بشری و روستانشینی یکی از قدیم‌ترین شیوه‌های زندگی اجتماعی بشر است. روستاها از گذشته به‌عنوان اجتماعات پایه، نقش اساسی در شکل‌گیری و شکوفایی جوامع و تمدن‌ها داشته‌اند. افول بسیاری از تمدن‌ها نیز به ویرانی روستاها و بی‌توجهی به آنها به‌عنوان عناصر پایه تولید و رونق اقتصادی مربوط می‌شود. توسعه بخش صنعت و گسترش شهرنشینی باعث شد به‌مرور از سهم روستاها به‌عنوان مکان‌های تولیدی که نیاز سایر بخش‌های جامعه را تأمین می‌کردند، کاسته شود. با وجود این حتی در اوج توسعه صنعتی و شهرنشینی، بخش روستایی به‌عنوان بخش تولید پایه و اساسی به هیچ وجه اهمیت خود را از دست نداده است. چنان که در کشورهای صنعتی اروپا و حتی امریکا حمایت از بخش کشاورزی یک اصل و خط قرمز به شمار می‌آید که در اتحادیه‌های اقتصادی سازمان تجارت جهانی، هر زمان که بحث بر سر بخش روستایی و کشاورزی است، این کشورها تحت هیچ شرایطی حاضر به پذیرش شرایطی که به ضرر بخش کشاورزی و روستایی آنها باشد نیستند، حتی اگر این پذیرش منافع دیگری برای آنها به همراه داشته باشد.

در کشورهای در حال توسعه نیز به طریق اولی بخش روستایی اهمیتی دو چندان دارد. هنوز بیش از نیمی از جمعیت جهان در روستاها زندگی می‌کنند و پیش‌بینی شده که در سال ۲۰۰۷ جمعیت جهان به ۵۰ درصد روستایی در مقابل ۵۰ درصد شهری برسد. این نسبت در کشورهای در حال توسعه بیش از ۶۰ درصد و در مواردی به بالاتر از ۷۰ درصد جمعیت روستایی نیز می‌رسد. به‌طوری که در سال ۲۰۰۰ از کل جمعیت جهان که ۶ میلیارد و ۶۰ میلیون بوده است، ۴ میلیارد و ۸۷۰

میلیون یا ۸۰ درصد در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کرده‌اند و از این جمعیت ۲ میلیارد و ۹۳۰ میلیون در نواحی روستایی این کشورها زندگی می‌کرده‌اند که ۶۰ درصد جمعیت این کشورها و حدود ۹۱/۳ درصد کل جمعیت روستایی جهان در کشورهای در حال توسعه بوده‌اند. از حدود ۳ میلیارد جمعیت روستایی نزدیک به ۱ میلیارد در فقر مطلق به سر می‌برند.

اغلب این کشورها تولیدکننده و صادرکننده محصولات کشاورزی هستند و بخش قابل توجهی از تولید ناخالص ملی آنها را بخش روستایی تولید می‌کند. شهرنشینی در این کشورها به سرعت در حال گسترش است که نیاز به تولید مواد غذایی را افزایش می‌دهد و تولیدکنندگان روستایی که روز به روز از نظر تعداد کمتر می‌شوند، در تأمین مواد غذایی جمعیت مصرف‌کننده، صادرات مواد اولیه و تأمین ارز مورد نیاز اقتصاد ملی این کشورها اهمیت بیشتری می‌یابند.

از سوی دیگر، توسعه بخش صنعت در این کشورها نیز وابستگی به بخش روستایی و کشاورزی را به‌عنوان تأمین‌کننده بخش مهمی از مواد اولیه مورد نیاز صنایع افزایش می‌دهد. با وجود همه این دلایل در حال و هوای توسعه سریع، صنعتی شدن و رشد شتابان شهرنشینی در این کشورها، برای چند دهه بخش روستایی مورد فراموشی، بی‌توجهی یا کم‌توجهی قرار گرفته است و خود این مسئله باعث محروم ماندن روستاها و گسترش فقر در جامعه روستایی، افزایش شکاف بین شهرها و روستاها و مهاجرت از روستاها به شهرها شده است.

پس از چند دهه تجربه ناموفق در رسیدن به توسعه و صنعتی شدن، این مسئله آشکار شده است که لازمه رسیدن به توسعه توجه به روستاها و بخش روستایی به‌عنوان بخش پایه است. علاوه بر آن، وجود نابرابری شدید بین روستاها و شهرها و عدم تعادل بین بخش کشاورزی و صنعتی خود به عدم تعادل در سیستم کلی جامعه منجر می‌شود. رسیدن به توسعه نیازمند برقراری تعادل بین جامعه شهری و روستایی، بین بخش صنعت و کشاورزی و بین همه اجزاء تشکیل‌دهنده سیستم جامعه و سرزمین است. با روشن شدن اهمیت توسعه روستایی در توسعه ملی، از دهه ۱۹۵۰ به

بعد نظریات، دیدگاهها و روشهای مختلفی برای رسیدن به توسعه روستایی مطرح شده و در سطح کشورهای مختلف مورد تجربه قرار گرفته است. این نظریات و دیدگاهها طیف وسیعی را در برمی گیرد، از دیدگاههایی که توسعه روستایی را به عنوان یک رهیافت توسعه ملی و یک راهبرد جایگزین مطرح می سازند، تا نظریاتی که بر توسعه بخش یا جنبه های خاصی از جامعه روستایی تأکید می کنند. آشنایی با نقاط قوت و ضعف این نظریات، دیدگاهها، روشها و زمینه ها، شرایط و عوامل موفقیت یا عدم موفقیت آنها ممکن است نقش مهمی در انتخاب استراتژی مناسب توسعه و برنامه ریزی روستایی داشته باشد.

هدف این کتاب بیان ضرورت و اهمیت توسعه روستایی و ارائه نيمرخی تاریخی از دیدگاهها و راهبردهای توسعه روستایی و برخی از روشهای کمی و مقدماتی برنامه ریزی توسعه روستایی، در یک مجموعه برای دانشجویان رشته های علوم اجتماعی، جغرافیا، برنامه ریزی روستایی و برنامه ریزی شهری و منطقه ای است. در راستای هدف مذکور مطالب این کتاب در دو بخش و هشت فصل تنظیم شده است. بخش اول با عنوان دیدگاههای برنامه ریزی توسعه روستایی، شامل پنج فصل است. در این بخش ابتدا مفاهیم روستا، توسعه و توسعه روستایی تعریف شده و سپس دیدگاههای توسعه و راهبردهای توسعه روستایی بررسی شده است. چنان که در فصل اول مفهوم روستا تعریف شده و سعی گردیده تعاریف گوناگون از روستا و روستایی از دیدگاههای مختلف بررسی شود و در پایان فصل مطالعه کننده فارغ از تعریفهای متعدد و متنوع برداشت روشنی از روستا و روستایی داشته باشد.

در فصل دوم اهمیت و جایگاه بخش روستایی در فرایند توسعه از ابعاد مختلف بررسی شده است. در این فصل اهمیت بخش روستایی هم در سطح جامعه جهانی و هم در سطح ملی، بررسی شده و با توجه به وزن جمعیتی، جایگاه اقتصادی و تولیدی و اکثریت فقیر مستقر در آن بر این نکته تأکید شده است که بخش روستایی نیازمند توجهی درخور مرتبه خود است. در این فصل با نگاه خاص به بخش روستایی ایران این مسئله مورد تأکید قرار گرفته است که بخش قابل توجهی

از مشکلات و نارساییهای جامعه روستایی و حتی جامعه شهری به عدم توجه مناسب و کافی به بخش روستایی مربوط می‌شود.

در فصل سوم مفاهیم و دیدگاههای توسعه و توسعه روستایی و نظریات و الگوهای توسعه بررسی شده است. در این فصل به دیدگاههای رشد اقتصادی، توسعه اجتماعی، اقتصادی، توسعه پایدار و توسعه پایدار انسانی مروری گذرا شده است. سپس با تأکید بر توسعه انسانی و پایدار نقش مردم در فرایند توسعه یادآوری شده است و بر این موضوع تأکید شده که نحوه نگرش به بخش روستایی و الگوها و برنامه‌های توسعه روستایی در قالب دیدگاهها و الگوهای توسعه متفاوت است.

در فصل چهارم راهبردهای توسعه روستایی طی چند دهه اخیر بر اساس نمای تاریخی بیان شده است و نقاط قوت و ضعف هر یک از راهبردهای توسعه روستایی تجربه شده و پیامدهای به کارگیری آنها بر جامعه روستایی بررسی شده است.

علاوه بر راهبردهای توسعه روستایی که جهت‌گیری اجتماعی یا اقتصادی دارند، راهبردهای فضایی به‌عنوان بخش دیگری از راهبردهای مورد استفاده در توسعه نقاط و نواحی روستایی بررسی شده است. بعد فضایی مانند ابعاد اقتصادی، اجتماعی یکی از ابعاد دیگر توسعه است. ایجاد تعادل در سطح سرزمین و مناطق مختلف و بین سکونتگاههای کوچک و بزرگ نیازمند برنامه‌ریزی و توجه مناسب به سلسله مراتب نواحی و سکونتگاههاست. در این فصل نظریات و راهبردهای رسیدن به الگوی فضایی مناسب بررسی شده است.

در فصل پنجم از فرایند برنامه‌ریزی روستایی در برنامه‌های توسعه صحبت شده است. در این فصل فرایند برنامه‌ریزی و مراحل آن، نحوه نگرش به برنامه‌ریزی توسعه روستایی، فرایند برنامه‌ریزی و شناخت جامعه روستایی مورد بحث قرار گرفته است و سپس جایگاه بخش روستایی در برنامه‌ریزی ملی کشور و برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی ارزیابی شده است.

در بخش دوم روشهای برنامه‌ریزی روستایی و تکنیکهای مورد استفاده در مراحل مختلف برنامه‌ریزی توسعه روستایی در فصلهای ششم، هفتم و هشتم آورده

شده است. در فصل ششم از روشهای پژوهش در روستا و فرایند شناخت و جمع‌آوری اطلاعات به‌عنوان اساسی‌ترین مرحله در برنامه‌ریزی بحث شده است. با توجه به ویژگیها و ماهیت جامعه روستایی، جمع‌آوری اطلاعات و کسب شناخت، روشهای ویژه خود را می‌طلبد و معمولاً روشهای مرسوم جمع‌آوری اطلاعات به تنهایی نمی‌تواند شناخت مناسبی از موضوع به همراه داشته باشد. در این فصل بر روشهای مشارکتی جمع‌آوری اطلاعات و روشهایی که مردم روستا در مراحل مختلف فرایند جمع‌آوری اطلاعات، کسب شناخت، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها در روستاها و مناطق روستایی مشارکت دارند به‌عنوان روشهای مناسب شناخت و برنامه‌ریزی روستایی تأکید شده است.

در فصل هفتم و هشتم از برخی از روشهای کمی برای برنامه‌ریزی روستایی بحث شده است. روشهای سطح‌بندی و تعیین‌کننده اولویتهای توسعه و مدلهای تعیین‌کننده سطح توسعه و برخورداری، نشان‌دهنده وضعیت توزیع، برابری و نابرابری از جمله روشهای مورد نیاز و رایج در برنامه‌ریزی روستایی است که در این فصلها نحوه اجرا، محاسبه مدلهای و زمینه‌ها و موارد کاربرد آنها بیان شده است.

این مجموعه حاصل تجربه دوازده سال تدریس دروسهای برنامه‌ریزی روستایی، جامعه‌شناسی روستایی و جغرافیای روستایی و ارتباط و درگیری مستقیم با موضوع توسعه و برنامه‌ریزی روستایی در کشور است. تلاش نویسنده بر این بوده تا مجموعه‌ای فراهم نماید که نیم‌رخ تاریخی از دیدگاهها، تجربه‌ها، موفقیتها و شکستها در زمینه توسعه و برنامه‌ریزی روستایی را منعکس کند و دانشجویان، برنامه‌ریزان و مطالعه‌کنندگان کتاب به برداشتی پیوسته و منسجم از موضوع دست یابند. همچنین با مدلهای و روشهای برنامه‌ریزی روستایی که ممکن است در مطالعات روستایی یا برنامه‌ریزی برای جامعه و مناطق روستایی استفاده شوند، آشنا شوند. با توجه به گستردگی موضوع و ماهیت کتاب، همچنان که در عنوان کتاب نیز آمده است، موضوعات به صورت مقدماتی بررسی و مرور شده‌اند. بدیهی است که بررسی دقیق، تحلیل و ارزیابی هر یک از فصول خود می‌تواند موضوع کتابی باشد که از دامنه اهداف این مجموعه خارج است.

نویسنده خود بر این موضوع واقف است که این مجموعه کاستیهای بسیاری دارد و تنها انگیزه تدوین آن کمبود متون و منابع درسی در این زمینه به‌ویژه به زبان فارسی بوده است؛ بنابراین ضمن پذیرش تمامی کاستیها نویسنده قدردان کسانی که یادآور اشکالات باشند خواهد بود.

این مجموعه با تشویق، حمایت و پشتیبانی گروه جامعه‌شناسی «سمت» تدوین شده و لازم است از دست‌اندرکاران این سازمان به‌ویژه آقای دکتر محمدرضا سعیدی مسئول گروه جامعه‌شناسی و آقای رضا عبدالرسولی و خانم مریم شجاعی کارشناسان گروه مذکور نهایت قدردانی و سپاس را داشته باشم. همچنین از تمامی اساتیدی که با پیشنهادهای عالمانه خود به رفع برخی از کاستیها کمک کرده‌اند و از راهنماییهای خود مرا بی‌نصیب نگذاشته‌اند کمال تشکر را دارم. به‌ویژه لازم است که از داوران محترم این کتاب که با قبول زحمت مرور متن اولیه این کتاب و با پیشنهادهای تخصصی، عالمانه و دلسوزانه خود به ویرایش مجدد متن و رفع برخی از کاستیهای آن کمک بسیار نمودند، نهایت سپاس و قدردانی را داشته باشم.

لازم است از همسر فداکارم که در دو سال رنج و زحمت تدوین این کتاب یار و یاورم بودند و تمامی سختیها و ناملایمات زندگی را تحمل نمودند، سپاس‌گزاری کنم.

محمود جمعه‌پور

اردیبهشت ۱۳۸۳